

زیباشناسی عناصر داستانی، سبک و پیرنگ در آثار داستانی منیرو روانی پور

علی رحیمیان پور، حمید رحیمیان پور

چکیده

هنرمند و خلاقیت داستان نویس در فرایند تبدیل طرح به داستان نمود و ظهور می یابد. داستان نویس با برگرفتن عناصر داستان و تزریق آنها در ساختمان طرح دست در کار آفرینش داستان می زند. کاربست درست عناصر داستانی در جریان انتقال طرح به داستان میان نویسنده متوسط و خلاق فاصله می افکند. نوآوری و ظهور سبک های گوناگون داستان نویسی در این مرحله پدید می آید. طرحی واحد در دست نویسندگان مختلف به داستان هایی به شدت متفاوت تبدیل می شود که نگاهی است به کمک ابزاری به نام عناصر داستان، هویت و تشخیص خود را به مجموعه داستان تحمیل می کند و به هر داستان رنگ نویسنده را می زند. خانم روانی پور از این دسته از نویسندگان است که آثار خود را با نثری روان و درخور موضوع، و استفاده از عناصر زیبای داستان، سبک و پی رنگ (طرح)، گنجانده است. خانم روانی پور، نویسنده ی جنوبی است، که هر چه را که در سفره های خود به دور افتاده ترین نقاط جنوب اندوخته، با استفاده از شگردهای تازه داستان نویسی به شکل یک اثر هنری پرداخته و ظریف در آورده است.

واژگان کلیدی: عناصر داستان، سبک، پیرنگ (طرح)، منیرو روانی پور

مقدمه:

عناصر داستان به شکلی سهل انگارانه به حال خود رها شده اند. گر چه این دست داستان ها معمولاً داستان های ضعیفی هستند، اما نمی توانیم این حکم را قطعی بدانیم. گاه تأکید بیش از حد روی پی رنگ لازم است، مشروط به این که به مفهوم داستان، آنچه نویسنده می خواهد بگوید، مرتبط باشد. گاهی اوقات پی رنگ آن قدر به عناصر دیگر وابسته می شود که کارکرد آن به عنوان ابزاری برای هدایت داستان و ایجاد وحدت در آن آشکارا از بین می رود. در این حالت پی رنگ صرفاً آویزی است که کالاهای ارزشمندی روی آن به نمایش گذاشته شده اند. در موارد دیگر - و این معمولاً در آثار برتر معاصر صدق می کند، پی رنگ آن قدر استادانه با سایر عناصر داستان آمیخته شده که حضورش در داستان تنها با موشکافی و بررسی دقیق قابل کشف است. (فولادی نسب و کهنسال نودهی، ۱۳۹۲: ۲۵)

پی رنگ فقط یکی از عناصر داستان است. پیرنگ طرح، چهارچوب، و نظم و ترتیب منطقی حوادث در اثر ادبی یا هنری مانند داستان، نمایشنامه، و شعر. ممکن است علاوه بر پیرنگ اصلی، یک یا چند پیرنگ فرعی نیز وجود داشته باشد. واژه پیرنگ از هنر نقاشی به وام گرفته شده و به معنای طرحی است که نقاشان بر روی کاغذ می کشند و بعد آن را کامل می کنند؛ طرح ساختمانی که معمولاً معماران می ریزند و از روی آن ساختمان بنا می کنند. واژه پیرنگ در داستان به معنای روایت حوادث داستان با تأکید بر رابطه علیت می باشد. خواننده ها هیچ وقت پی رنگ را در شکل خالصش نمی بینند، زیرا این عنصر همیشه با سایر عناصر داستان ترکیب و با آن هماهنگ می شود تا داستان به وحدت برسد. در بعضی از داستان ها پیرنگ بیشتر به چشم می آید و به نظر می رسد که سایر

۳- مجموعه سیریا سیریا: شامل ۸ داستان کوتاه است (دی یعگوب - منو - ماکو - سیریا ... سیریا - چندین هزار و یک شب - چهارمین نفر - روز شکوفه و نمک - و دیگر تمام شد)

۴- مجموعه داستان زن فرودگاه فرانکفورت: شامل ۱۴ داستان کوتاه است: (کافه چی - ماریا - زن فرودگاه فرانکفورت - مانا - فروپاشی - دریاچه - دیدار - کشتی شکستگان - دلدادگان نامی ندارند - میو - سه زن - گل های ماگنولیا - ملاقات ویژه - در غربت) که بیشتر خاطره وار و گزارشی هستند.

۵- مجموعه داستان نازلی: حاوی ۳ داستان کوتاه است (رعنا - شیوا و نازلی)

۶- رمان اهل غرق

۷- کولی کنار آتش

۸- رمان دل فولاد

زندگی نامه منیر و روانی پور

منیر و روانی پور در دوم مرداد ماه در سال ۱۳۳۲ در جفره یکی از توابع بوشهر متولد شده سال های کودکی را در زادگاهش گذراند. در ده سالگی به اتفاق خانواده به بوشهر رفت و دوره ابتدایی و متوسطه را در بوشهر طی کرد. هفده سال زندگی در جفره و بوشهر با آن وضع اقلیمی و آداب و رسوم خاص در شکل گیری جهان داستانی وی تأثیر انگار ناپذیری بر جای گذاشت. در همین دوران با شاعران منطقه جنوب - منوچهر آتشی و محمد آقایی آشنا شد، چوبک و آثارش را شناخت و از این رهگذر توشه ها برگرفت. وی در دانشگاه شیراز در رشته ی روان شناسی کارشناسی گرفت و در دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی ارشد روانشناسی شروع به تحصیل کرد ولی به دلیل فعالیت در جنبش های دانشجویی علیه رژیم وقت از ادامه تحصیل باز ماند. به همین دلیل به آمریکا رفت و در رشته علوم تربیتی از دانشگاه ایندیانا کارشناسی ارشد گرفت (وی ازدواج ناموفق را تجربه کرد که تنها پس از چند ماه منجر به جدایی شد، اولین تجربه وی در زمینه داستان نویسی داستان

بعضی نویسندگان از جمله خانم روانی پور، به درک مناسبی از شخصیت های داستانی می رسند، او می تواند درک کند که اگر خودش در وضعیت و موقعیت شخصیت های داستانی اش قرار بگیرد، با چه مسائل بیرونی و درونی رو به رو خواهند شد، نویسنده ای که به چنین درکی می رسد، می تواند حقایق ژرفی را در فرایند شکل دادن به پی رنگ کشف کند، با دیگران نیز در میان بگذارد یکی دیگر از عناصر داستان سبک است، که به شیوه سنتی و معمول به عنوان طریقه بیان در شعر و نثر تعریف شده است که آن به چگونگی بکارگیری زبان گوینده یا نویسنده اشاره دارد. سبک یک اثر یک سبک یک نویسنده از انتخاب، چینش و گزینش واژه ها، ترکیبات کلمات، ساختار جمله، ترکیب صداها و نحوه ی بکارگیری انواع صنایع مجازی زبان و صنایع بلاغی بدست می آید (ابرامز، ۲۰۰۱). سبک روش مشخص بیان مطالب است و برای درک بهتر این روش باید در انتخاب لغات و شکل ترکیبی جملات و اصطلاحات توجه خاص داشت. هر نویسنده ای به شیوه ی خاص به بیان مطلب می پردازد، اما به تأثیر محیط بر شخصیت داستان توجه کند، تکوین شخصیت به محیط مناسب آن تکوین نیاز دارد. به همین خاطر انتخاب صحنه مناسب به واقع نمای داستان کمک می کند (میرصادقی، ۱۳۷۶؛ ۲۴).

آثار داستانی منیر و روانی پور

۱- کینزو: شامل ۹ داستان کوتاه است (کینزو - شب بلند - آبی ها - طلاووس های زرد - دریا در تاکستان ها - مانا، ماناهای مهربان - پرشنگ - مشنگ - جمعه خاکستری)

۲- مجموعه ی سنگ های شیطان: شامل ۹ داستان کوتاه است (سنگ های شیطان - مرغ آبی رنگ مرده - قصه ی غم انگیز عشق - ما فقط از آینده می ترسیم - جیران - هروس - بازی - روایتی دیگر - سه تصویر)

¹ . Abrams

گوش آدم را کر می کند، انگار می خواهد بیاید داخل، و دست های آبیض را دراز کند و مادر بزرگ را بردارد و با خودش ببرد. (همان، ص: ۴۵)

طلاووس های زرد: داستان در بطن خود سیر خطی دارد. از این حوادث تقریباً منظم است. نقطه ی اوج داستان، صحنه ای است که فانوس توسط برادران خود تکه تکه می شود. بسیار تلخ و تکان دهنده است. تلاش مریم برای کشف ماجرا تعلیق را شکل می دهد. **دریا در تاکستان ها:** سیر حوادث در داستان چندان منظم نیست و آشفتگی در طرح به چشم می خورد. شاید این امر ناشی از تخیلی یا نمادین بودن طرح قصه باشد.

مانا، مانای مهربان: با توجه به موضوع که تخیلی است، نمی توان انتقار داشت که حوادث ارتباط علی و معلولی داشته باشند، اما به طور کل پیام داستان را انتقال می دهند و آن مرگ صفا و صمیمیت در خلیج است که با مرگ ناوی جوان و گری دریایی عنوان می شود.

پرشنگ: اساس پرینگ بر جهت گیری دو انسان از دو جامعه متفاوت در برابر زندگی و پیش آمدهای آن، استوار است: از این رو نمی توان برای آن مقدمه، تنه (بحران، اوج) و موخره (گره گشایی و پایان) در نظر گرفت. کشمکش طرح درونی و ذهنی است و به احساسات و نگرش شخصیت داستان به زندگی مربوط می شود.

مشنگ: نویسنده مسائل جانبی از قبیل دزدی از مرده، سوء استفاده از جسم شخص مرده و استفاده ابزاری تکنسین ها و مسئول بیمارستان از مرده را ماهرانه در پرینگ (طرح) جا داده است.

جمعه ی خاکستری: سیر حوادث منظم و روابط علی و معلولی معقول است. کشمکش های طرح درونی و بیرونی است. ذهن مغشوش زن، تلاش برای کنار آمدن با وضع موجود و تحمل تنهایی از رنوع کشمکش، و درونی است.

کوتاه «گنجشک و آقای رئیس جمهور» است، که در یکی از نشریات چاپ شد. وی در کنار تمرین نویسندگی سرودن شعر را تجربه کرد و تعداد محدودی از اشعارش در مجله ی نگین چاپ شد. حضور وی در جلسات قصه خوانی و آشنایی وی با هوشنگ گلشیری انجامید. که این آشنایی زمینه ی خلاقیت و ذوق هنری او را بارورتر ساخت. روانی پور در کلاس های داستان نویسی خود با بابک تختی، پسر پهلوان تختی آشنا شد و ازدواج کردند. بابک تختی ناشر نشر قصه است و فرزندشان غلامرضا حاصل این ازدواج می باشد. حاصل چند سال قصه نویسی وی سرانجام در سال ۱۳۶۷ با انتشار مجموعه داستان کینزو به ثمر رسید. روانی پور در سال ۱۳۸۵ از اولین حامیان «کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز علیه زنان» در ایران بود. وی هم اکنون از دسامبر ۲۰۰۷ با خانواده اش در آمریکا زندگی می کند.

بررسی پرینگ در مجموعه داستان کینزو

پرینگ در داستان کینزو: شروع داستان با پایانش یکی است. نویسنده پایان قصه را در بند اول می آورد: «کینزو مرده بود. مریم از مدرسه که به خیابان رسید، مردهای دم عرق فروشی «توکلی را دید که چادر زنی را که پایش از جوی کنار خیابان بالا آمده بود می کشیدند واز خنده رسیه می رفتند». (کینزو، ۱۳۶۹: ۷). اوج داستان صحنه ای است که کینزو تکیده و لاغر از سفر بی حاصلش با مرد جوان برگشته و چون دارایی اش را بالا کشیده، دیگر جایی برای ماندن ندارد و توی آشغال ها زندگی می کند. پرینگ تعلیق مشخص ندارد.

شب بلند: پرینگ از نظر ساختاری منظم است. داستان آشکارا شروع، تنه گسترش طرح و پایان دارد و روابط علی و معلولی رعایت شده است.

آبی ها: بند اول داستان به منزله ی بראعت استهلالی است برای کل داستان. «دوباره اتاق پنج دری به هم می خورند. غنا هشت (سر و صدای موج دریا) دریا

سبک مجموعه کنیز و

نثر داستان های این مجموعه ساده و روان و به دور از پیچیدگی های لفظی است. زبان نثر امروزی است. در بعضی از موارد به شاعرانگی میل می کند و آن به دلیل تشبیهات و تشخیص بکار برده شده در متن است. ماه بزرگ است و توی آسمان نشسته و یا ماه تقلا می کرد. (کنیزو، ۱۳۶۹: ۵۸). «جفره زیر فریادهای گلپر جان می داد. (همان: ۳۵)

در موارد کمی زمان افعال جمله ها رعایت نشده است: «دوباره باد بوره می کشید تو نخل ها می پیچید، همه چیز را با خودش می آورد، می زند به دریاها (همان: ۴۵). جملات کوتاه هستند و مفهوم را به راحتی منتقل می کنند. در داستان هایی که موضوع آنها به منطقه جنوب اختصاص دارند از کلمات بومی و محلی جنوب استفاده شده است.

بوره: زوزه باد

غناهشت: سر و صدای دریا به هنگام طوفان

کل زدن: هلله زن جنوب

مینار: روسری

گسار: سنگریزه کنار ساحل

گفتگوهای این گونه داستان ها نیز به زبان محاوره ای جنوب است.

مجموعه ی سنگ های شیطان:

* **پیرنگ:** اوج داستان زمانی است که دایه ی پیرآبادی مریم را مورد آزمایشی زشت و شکنجه آور قرار می دهد. در پایان داستان زنها به دلیل اطمینان از باکره بودن مریم شادی می کنند ولی مریم که غم زده است به جز صدای باد پیچیده در سنگ ها صدای دیگری نمی شود.

* **مرغ آبی رنگم مرده:** بیانگر این نکته است که مرد هر عشق را به او ابراز شده از بین برده است. داستان هنگامی که زن علاقه ای را به مرد ابراز می کند شروع می شود. این ابزار علاقه به طور نمادین بیان می شود.

* **مقد غم انگیز عشق:** اوج پیرنگ داستان متوجه این معنی است که نگاه ابزاری به انسان، به تدریج عاطفه را در وجود او می خشکاند، اینکه در پایان داستان به انبوهی از کلمه بدل می شود موید این نکته است.

* **ما فقط از آینده می ترسیم:** وصف مردانی است که روزهای پی در پی در انتظار دیدن زنی هنرمند یک جا، جمع می شوند و همگی به یک نقطه خیره می شوند. توصیف بیش از حد این مسأله پیرنگ داستان را کمرنگ کرده است.

* **جیران:** اوج پیرنگ داستان زمانی است که مرد با زن دیگری ازدواج می کند و جیران تنها می ماند. پایان داستان زمانی که مرد پاکت اسکناس را به جیران می دهد، تأسف بار است و با نقطه اوج به لحاظ محتوایی ارتباط تنگاتنگ دارد.

* **هروس:** روابط علی و معلولی به دلیل آمیختگی چند موضوع، رفتن پسر هاسمیک به جبهه، دخالت زنان در زندگی هاسمیک، تنهایی زن و دخترش، آشفته است، جمله ی پایان داستان که زنان به هاسمیک می گویند «خوش به حالتان، شما با ما فرق دارین» درونمایه داستان را به خوبی القا می دهد.

بازی: محور محتوای پیرنگ تقابل هزو عزیزه است که در بخش انتهایی داستان ترسیم شده است.

روایتی دیگر: بیان مسائل و روایت های مختلف انسجام پیرنگ را بر هم زده است، بنابراین شبکه استدلالی حوادث چندان معقول به نظر نمی رسد.

سه تصویر: اوج پیرنگ داستان متوجه به این معناست که یاد و تصویر مرد شهید باعث می شود که زن به افکار بیهوده نپردازد.

سبک داستان مجموعه ی سنگ های شیطان

شخصیت اصلی تمام حقه های این مجموعه جز «ما فقط از آینده می ترسیم» زن است. در «ما فقط از آینده می ترسیم» به ظاهر به مردان پرداخته نشده است. اما کل داستان حول محور شخصیت رمزآگین زنی نقاش و سیاهپوش می چرخد. موضوع تمامی قصه

روز شکوفه و نمک: توالی زمانی حوادث منطقی نیست. (این حادثه در مرداد ماه ۷۱ اتفاق افتاد. از میان کسانی که او را دیدند.)

و دیگر تمام شد: پیرنگ سیر خطی و یکنواختی دارد. از عناصر تعلیق، گره افکنی، کشمکش بهره چندانی ندارد. به همین دلیل هیجان خاصی به مخاطب القا نمی شود.

ویژگی های سبکی مجموعه ی سیریا ... سیریا
۱- تلفیق عناصر واقعی و خیالی و بهره گیری از رئالیسم جادویی (واقع گرایی)

۲- بهره گیری از آداب و رسوم، واژه ها و اشعار محلی آبیو باد شمال حومه آبی زمین از انتظارات بلتش هابی] (ص: ۱۱۱)

۳- سیلان بین ذهن و عین و توصیفات سوررئالیستی
۴- نگاه انتقادی به باورها و سنت های غلط قومی و قبیله ای

۵- پرداختن به مسائل و مشکلات مربوط به زنان
۶- زبان ساده و روان، به دور از پیچیدگی و تعقید
۷- بکارگیری جملات کوتاه ربطی آزن چنان به ساعت نگاه کرد که مرد آن را درآورد، کوشش را پر کرد و به او داد. (سیریا: ۱۱۷)

۸- حذف فعل با قرینه و بدون قرینه: حذف فعل با قرینه: [رو همه چیز برچسب زدم؛ حتی رو لباس های شوهرم و... (همان: ۸۷) حذف فعل بدون قرینه: [برگردن اشترها زنگوله های کوچک و بزرگ بر چشمانش سرمه و بر تن زن ها و کودکان لباس های رنگارنگ. (همان: ۱۱۱)

مجموعه زن فرودگاه فرانکفورت

کافه چی: کشمکش داستان از نوع ذهنی است. زن دائم با خود درگیر است. ذهنی مشوش و به هم ریخته دارد. تعلیق کمرنگ است و گره گشایی درونی است.

ماریا: قصه برس کوتاهی از زندگی مردی است که در سن کم خارج از کشور می رود. گر چه پایان قصه با گریه های مردم غم انگیز است، اما تأسّف و تأثر او

ها از واقعیت های اجتماع منشأ یافته است. بر این اساس می توان گفت که سبک این مجموعه بر پایه ی واقع گرایی اجتماعی استوار شده است.

* مجموعه سیریا ... سیریا

* پیرنگ دی ییگوب: نویسنده اسطوره ی کهن سپر بالا یا بلاگردان را در قالب نو می ریزد و باز می آفریند، اسطوره ای که به جای تن دادن به اعتقادات موهوم و قربانی کردن خویش، با روشنفکری انگاره های غلط را کنار می زند و خود سگر بالای خود می شود تا نجات یابد.

* منو: تلاش مرد عکاس برای ارائه تصویری از منو، کشمکش های پیرنگ را می سازد و قصه را در حالت تعلیق نگه می دارد.

* ماکو: گره گشایی نهایی پیرنگ، هر چند با منطق سلسله رویدادها و فضای ایجاد شده در طرح منطبق نیست، با بینش و نگرش نویسنده نسبت به باورها و خرافه ها همخوانی دارد.

سیریا ... سیریا: سیریا، پیرنگی پیچیده دارد که سویه های عینی و ذهنی طرح به طور متناوب در هم می آویزند و قصه را پیش می برند. [گفتم: «وهم و خیالی بیش نیست، خسته ام باید بروم»]. (ص. ۵۳)

چندین هزار و یک شب: بازآفرینی قصه های کهن هزار و یک شب است. نویسنده با استفاده از قالب داستان در داستان و طرح اصلی هزار و یک شب، طرحی نو می ریزد و شهرزاد دیگری می آفریند. وی برای رهایی به قصه گویی یا به تعبیر دیگر به نویسندگی روی می آورد تا از طریق هویت خویش را به اثبات برساند.

«توی کوچه بود... جای بند آرایشگر روی صورتش می سوخت. نمی توانست جلوی گریه اش را بگیرد.» (ص، ۹۳)

چهارمین نفر: پیرنگ سیر خطی دارد. نقطه اوج داستان زمانی است که زن تابوت خودش را به دوش می کشد.

بنابراین گره ای در پیرنگ وجود ندارد که در پایان قصه گشوده شود.

زبان و سبک مجموعه نازلی

زبان هر داستان سلیس و روان است. واژه ها به لحاظ بار معنایی از حد خود فراتر نمی روند. آن تخیل شعر گونه که در بیشتر آثار نویسنده مشاهده می شود، در این مجموعه دیده نمی شود و آن بدلیل سبک واقع گرایانه می باشد. نویسنده موضوعاتی از قبیل برخورد هواپیمای توپولوف به کوه های خرم آباد، اشاره به وضعیت افرادی که قبل از انقلاب و در آغاز آن فعالیت های سیاسی و افکار چپ گرایانه داشته اند را در کنار موضوع عشق دستمایه های کار خود قرار داده و اثر را در قالب رئالیسم اجتماعی جای داده است.

رمان اهل غرق: پیرنگ اصلی اثر به پایه ی حوادثی استوار است که برای شخصیت اصلی داستان (مه جمال) به وقوع می پیوندند، اما نویسنده با آوردن حادثه های فرعی بر تفصیل آن افزوده است.

سبک رمان اهل غرق:

۱- نثر اثر ساده و روان است. که وجود تصاویر شاعرانه و تخیلی وجهه ای شاعرانه به آن بخشیده است و نثر را در بعضی موارد ادیبانه جلو می دهد. نمونه ای از نثر کتاب این نکته را ثابت می کند: «هوا تاریک می شود ماه غبار گرفته و دلتنگ توی آسمان نشسته بود... صدای دایره زندگی آبی ها روی آسمان جفره بال بال می زد.» (اهل غرق، ۹)

۲- بهره گیری از واژه ها و اصطلاحات بومی و محلی مردم جنوب، زبان اثر را عامیانه و محلی نشان می دهد: «مردان ظاهراً به کار خود مشغول بودند؛ یکی با کاربرد خاطرات دریا از روی گرگورها پاک می کرد» (همان: ۵۸)

۳- تکرار غریبانه ناکامی و نامرادی خود را می دید، خنده درخشان و غریبی داشت

بوی غریبی در آبادی پیچیده بود

۴- بکارگیری زبان محاوره ای مردم جنوب در گفتگوها

حکایت از تکان و تحولی در شخصیت مرد (پیتر کاشانی) می دهد.

زن فرودگاه فرانکفورت: زن پناهنده سیاسی است، و به قصد قصه خوانی به آسمان می رود و آنجا متوجه می شود که به دلیل حضور در کنفرانس مورد اتهام قرار گرفته است.

گل های ماگنولیا: عنصر کشمکش و تعلیق را می توان در تقلای زن بیمار برای زندگی و تلاش پرستار برای محو کردن خاطرات دوران کار از ذهن یافت.

در غربت: سلسله حوادث پیرنگ سیر دورانی دارد. شبکه استدلالی حوادث منظم است. رابطه ی علی و معلولی حوادث منقطع و گسسته است.

سبک مجموعه زن فرودگاه فرانکفورت

داستان کوتاه مجموعه، با زبانی ساده و روان بیان می شود. جملات کوتاه و دستورمند هستند. نکته ای که در اکثر داستان های کوتاه این مجموعه به لحاظ زبانی می توان به آن اشاره کرد این است که نویسنده در بیشتر موارد مسند الیه مجله را پس از فعل می آورد. تأکید و جلب توجه دلایل تأخیر مسند الیه است. شواهد بسیاری در این مجموعه یافت می شود که مسندالیه در پایه جمله ذکر شده است. ذکر چند نمونه: [سرد بود هوا - نگاه می کند زن - پایین تر که می آید هواپیما]

خانم روانی پور در نگارش این مجموعه از سبک های متفاوتی بهره گرفته است. رئالیسم اجتماعی، سیاسی، و رئالیسم جادویی با ته رنگ سوررئالیستی سبک های متفاوت این مجموعه هستند. داستان های کوتاه کافه چی، ماریا، مانا، دریاچه، سه زن، ملاقات ویژه، در غربت و تا حدودی میو و دیدار از واقعیت های اجتماعی منشأ گرفته اند. فروپاشی و زن فرودگاه فرانکفورت توصیف سرنوشت افرادی است که فعالیت های سیاسی داشته اند.

مجموعه داستان نازلی:

رعنا: قصه ساده خطی است که یادداشت های روزانه مریم شخصیت اصلی داستان اساس آن را می سازد.

اگه می گفتی بهتر بود، نبود؟

نه، بوام می فهمه» (همان: ۱۹)

رمان دل فولاد

پیرنگ: در حقیقت تلفیق شیوه روایت جریان سیال ذهن با شیوه ی روایت اصلی رمان (دانای کل) و آمیزش حوادث رمان با حوادث کتاب دل‌آور زند و همچنین گفتگوهای درونی و ذهنی افسانه (شخصیت اصلی داستان) با جنبه های گوناگون شخصیت های رمانی که می نویسد، از جمله عواملی است که بر ابهام طرح می افزاید.

زبان و سبک

زبان داستان بسیار ساده و روان است. در گفتگوهای میان شخصیت ها از زبان محاوره ای استفاده شده است. زمانی که نویسنده به خیال روی می آورد، زبان داستان به شاعرانگی می گراید، به هنگام توصیف مناظر و صحنه ها نیز نثر داستان شعر گونه است.

«کوچه بن بست بود بادی غبار گرفته و زرد، برگ های خشکیده را روی زمین پخش می کرد. گاهی گوشه ای لجباز و یکدنده دور برگ ها می پیچید، خس و خاشاک را جمع می کرد و لحظه ای بعد آنرا به هوا می برد.» ص: ۵۱

جملات کوتاه هستند. از جملات تعجبی مکرراً استفاده شده است از حیث قواعد دستوری، جملات منظم و دستورمند هستند. در مواردی حذف فعل با قرینه و بدون قرینه صورت گرفته است:

حذف فعل بدون قرینه: زنگ زد و گفت من (ص: ۲۵۴)

(۲۵۴)

نگاهش به دیوار سمت راست و جلد رمان «در اوج گردباد» روی دیوار. (ص: ۲۱)

حذف فعل با قرینه: زمانه تمام مفاهیم را به رنگ خود در می آورد و به دلخواه خود، (ص: ۲۵۴) اما همه جا ساکت بود. و شب تاریک. (ص: ۲۵۰)

رمان کولی کنار آتش

پیرنگ: پیرنگ با توصیف قافله و زندگی آینه شروع بسیار جذاب و پر تگش دارد. آینه عاشق می شود و به

دنبال یافتن مانس به راه می افتد. او به بوشهر، شیراز، بندرعباس و تهران می رود. و با حوادث و مسائل گوناگونی مواجهه می شود. این حوادث و مسائل گره گشایی رمان را به تأخیر می اندازد. تأخیرهایی که در عین تعمیق بحران و تعلیق زمان، شکافی در ترکیب آن پدید می روند.

زبان و سبک

ریتم موسیقایی زبان متناسب با حرکت داستان آهسته و یا تند می شود. وفور تشبیه و تشخیص، کوتاهی جملات، حذف بعضی از اجزای جمله بویژه فعل از مختصات دیگر زبانی و نثر اثر می باشد.

حذف اجزای جمله

دستی به موهای پریشان خود کشد. خندید و پیراهنش؟ کهنه، خالک آلود. (کولی کنار آتش: ۸۸)

تشبیه و تشخیص

«مهره ی مار دهان باز کرد، ماری سبز و زهرآلود، روی آسمان خزید... خش... (همان: ۵۰)

جملات مقطع و آهنگین

دایره ی سرها، سرهای غریبه و آشنا، تاریک روشن صورتهای، صورتهای گر گرفته از گرمای آتش نه آتشی که در کنار چادر بزرگ زبانه می کشید. (همان: ۱)

زبان موسیقایی و شاعرانه

خورشید چشمانش را می گشاید

سر بر آستان آدمیزاد، می ساید

پرنده به شوق تو پرواز می کند. (همان: ۵۴)

نتیجه گیری

ارائه یک پیرنگ و ساختار ثابت برای آثار روانی پور ناممکن است؛ زیرا نویسنده با توجه به موضوع و درونمایه داستان ها، طرحی متناسب با آنها برمی گزیند. پیرنگ داستان های او گاه ساده و خطی است، گاه پیچیده است. گاه عینی - ذهنی است و گاه حاصل آمیزش خیال و واقعیت است. روی هم رفته، اغلب داستان های وی بویژه رمانهایش دارای طرح مشخصی هستند، از پیرنگ منبعی و مطلوبی برخوردارند. اما در بعضی از داستان های کوتاه پیرنگ ضعیف است.

زبان داستان های روانی پور ساده و روان و گاهی شاعرانه است. زبان وی غالباً دستورمند است و ازگان جمله منظم در جریان خود قرار می گیرد. سبک در آثار روانی پور ثابت نمی ماند، با توجه فرم و محتوا تغییر می یابد، وی برای نگارش داستانهایش از سبک های متفاوتی استفاده می کند. به سراغ رئالیسم جادویی می رود و گاه فضای و همناک اثر را با پرداختی سوررئالیستی ارائه می دهد.

منابع

- روانی پور، منیرو، (۱۳۶۹) کنیزو، تهران، نیلوفر.
- روانی پور، منیرو، (۱۳۷۲) سیریا... سیریا، تهران، نی.
- روانی پور، منیرو، (۱۳۸۳) اصل غرق، تهران، نشر قصه.
- روانی پور، منیرو، (۱۳۸۱) زن فرودگاه فرانکفورت، دوم، تهران، نشر قصه.
- روانی پور، منیرو، (۱۳۸۱)، دل فولاد، چهارم، تهران، قصه.
- روانی پور، منیرو، (۱۳۸۲)، نازلی، دوم، تهران.
- روانی پور، منیرو، (۱۳۶۹) سنگ های شیطان، اول، تهران، مرکز.
- تقی زاده، صفدر (۱۳۷۴) شکوفایی کوتاه، چ دوم، انتشارات علمی، تهران.
- مستور، مصطفی (۱۳۷۹)، مبانی داستان کوتاه، اول، تهران، مرکز.
- میرصادقی، جمال، (۱۳۷۶) عناصر داستان، چ سوم، تهران، سخن.
- فولادی نسب، کاوه، کهنسال نودهی، مریم (۱۳۹۲)، حرفه ی داستان نویسی - چ دوم، تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی